

آینه



موضوع اصلی

● آیا می‌توان اعتراضاتی که از جانب متن جامعه مطرح شده است را به مداخله بیگانگان تقلیل داد؟ روحانی معتقد است موضوع اصلی در حوادث اخیر شکاف و فاصله‌ای است که میان نسل‌ها ایجاد شده است. او این نظر را مطرح می‌کند که مسئولان کشور حتی توان آنکه با فرزندان نوجوان و نوه‌های خود به مرحله گفت‌وگو برسند ندارند و این دو نسل با دو گفتمان متفاوت با یکدیگر مواجه می‌شوند. اینکه یک مقام ارشد کشور از لایه‌های ظاهری اعتراضات که بیشتر به موضوعات اقتصادی معطوف شده بود عبور می‌کند و بدون افتادن در دام توهم توطئه‌ای که گاه عامل بیگانه را مسبب این حوادث می‌داند و گاه رقیب سیاسی را به لایه دوم اعتراضات توجه می‌کند، شایسته توجه است. واقعیت آن است که تا به امروز تبلیغات رسمی کشور در تلاش بوده است تا با نادیده‌گرفتن بخش بزرگی از جامعه، تغییرخواهانی که در پی تحولی بزرگ در حوزه‌های مختلف هستند را ندیده بگیرد و نتیجه همین نادیده‌گرفتن‌ها گسترش فرهنگ زیرزمینی و همین‌طور دورویی در جامعه است.

تتمه

سواری مجانی ممنوع

● **عباس عابدی:** شواهد کافی وجود دارد که این ماجرا در مشهد و در اعتراض به برخی از پدیده‌های اقتصادی و فسادهای باقی‌مانده از دولت پیش آغاز شد. سازماندهی نسبی ماجرا و پروفایل دعوت‌کنندگان به آن راهپیمایی به اندازه کافی گویای ماجراست. مسئله اصلی این است که اگر از نظر اصولگرایان، دولت موجود مطالبات بحقی را برآورده نکرده است یا وضع معیشت مردم نامناسب است و اگر معتقدند که مردم حق اعتراض دارند، در این صورت چرا خودشان از طریق شخصیت‌ها و احزاب اصولگرا تقاضای تظاهرات اعتراضی را به وزارت کشور یا استانداری‌ها ارائه نمی‌کنند؟ پاسخ به این پرسش کلیدی است و نمی‌توان از کنار آن ساده گذشت. به نظر می‌رسد که چند دلیل برای این رفتار می‌توان ذکر کرد؛ اولین آن ناتوانی در پاسخ‌گویی است. در حقیقت هر چیزی را که بخواهند مورد اعتراض قرار دهند، بدتر از آن را در دوره خودشان شاهد بوده‌ایم. علت دوم، فقدان شجاعت کافی این مجموعه است، آنان می‌ترسند که تعداد اندکی به دعوت آنان پاسخ دهند یا اعتراضات محاقیل انجام شود که بسیار بزرگ‌تر خواهد بود و این به‌منزله شکست چندباره آنان تلقی خواهد شد. و بالاخره علت دیگر این است که آنان می‌ترسند، اعتراضات حتی قانونی را رسمیت دهند، چون ممکن است این قاعده گسترده‌تر از آن شود که مطلوب نظر آنان باشد.

اطلاعات

مطالبه‌بی‌وقفه

● ... نگارنده بر این باور است که این دولت، حقیقتاً در پی حل مشکلات مردم و بهبود شرایط مملکت است؛ به‌صورت واقعی و نه نمایشی... از همین منظر، خواهان حمایت از دولت و برنامه‌های آن هستیم تا بتوانند از این دوران گذار تاریخی و مشکلات عدیده، کشور را به سلامت به نقطه‌ای قابل قبول برسانند. این دولت از زمان مذاکرات اقدام جامع مشترک (برجام)، هیچ‌گاه نتوانسته بدون کارشکنی و دستاندازی‌های ناموجه رقیبان، برنامه‌های خود را به پیش برده یا حتی مشکلات را مستقیماً با مردم در میان بگذارد... هر روز که بگذرد، این گره‌گاه‌ها و مشکلات افزون‌تر و حل آنها دشوارتر خواهد شد. صدای مردم را باید شنید و این امر از سوی دولت، فقط به یک شیوه میسر است: شجاعت در انجام برنامه‌های بزرگ، افشای مفسده‌های کلان، جلوگیری از صرف بودجه‌های ناموجه و نامعقول، حرکت برای تنش‌زدایی و تحکیم صلح و همزیستی در منطقه و جهان. افزون بر اینها، صراحت و صدق در بیان حقایق و مشکلات با مردم، از طریق رسانه‌های مردمی و دلسوز و نه نمایشی و تبلیغاتی... اما در میان بخش‌های رقیب دولت (که ضمناً همواره رقیب ملت نیز بوده‌اند)، گوش شنوایی نیست که بخواهم حقایقی را یا آنان در میان بگذاریم و بیتاعت غرض‌شدن کشتی‌ای را که همگان مسافر آتیم به سمع مبارکشان برسانیم.

صمیمه

تدبیر جوان

● آنچه در صحنه خیابانی رخدادهای هفته گذشته دیده و زمینه‌ساز زیان‌درازی اجانب و سوطه‌گران شد، موضوعی قابل مطالعه و بررسی است، چه اینکه همه بازداشت‌شدگان عامل سرسپرده و وابسته به سرویس‌های امنیتی متخاصم نبوده‌اند و بوده‌اند افرادی که فریب‌خورده یا در یک فضای هیجان‌زده وارد این بازی خطرناک شده‌اند. گونه‌شناسی اولیه آنها سه یافته مهم را نشان می‌دهد: نخست اینکه طیف سنی کمتر از ۴۰ سال است، ثانیاً ۶۵ درصد به بالاتر افراد بی‌کاردن و نهایتاً تحركات زنانه در آن قابل توجه است. یعنی جوانان و زنان که از سال‌ها پیش مخاطبان خاص بوق‌های تبلیغی غرب بودند (شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان اساسا بر این مبنا متولد شدند).

politics@sharghdaily.ir

سیاست

جوابیه شورای فرهنگی- اجتماعی زنان به یک گزارش:

در ۳۶ مسابقه ورزشی مردان، زنان تماشاچی هستند



گزارش شرق با عنوان «زها آیت‌اللهی کیست چه می‌گوید» با واکنش این شورا همراه شده است. زها آیت‌اللهی در متن این جوابیه تأکید کرده زنان در ۳۶ رشته ورزشی می‌توانند تماشاچی مسابقات مردان باشند و حضور زنان در ورزشگاه در صورت تأمین شرایط و بستر لازم امکان‌پذیر است. روزنامه «شرق» حسب قانون مطبوعات جوابیه به این گزارش را منتشر می‌کند. در متن جوابیه‌ای که رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده برای روزنامه «شرق» فرستاده آمده: جناب آقای مهدی رحمانیان مدیرمسئول محترم روزنامه شرق با سلام و احترام مطابق ماده ۲۳ قانون مطبوعات «هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود ذی‌نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتبا به همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است این‌گونه توضیحات و پاسخ‌ها را در یکی از دو شماره‌ای که پس از وصول پاسخ منتشر می‌شود در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشرشده است مجانی به چاپ برساند به شرط آنکه جواب از دوبرابر اصل تجاوز نکند».

لذا پاسخ به مقاله «زها آیت‌اللهی کیست چه می‌گوید» که در انتقاد از بنده و شورای فرهنگی- اجتماعی زنان و خانواده در صفحه ۶ روزنامه شرق مورخ ۹۶/۱۰/۱۳ چاپ و نشر شده است که کمتر از دوبرابر اصل مقاله می‌باشد به پیوست جهت چاپ در روزنامه شرق مطابق ماده مذکور در همان صفحه، ستون و همان حروف با همان تصویر و با همان تیتَر ارسال می‌گردد. زها آیت‌اللهی. رئیس شورای فرهنگی- اجتماعی زنان و خانواده متن یادداشت: زها آیت‌اللهی کیست و چه می‌گوید؟ در پاسخ به مقاله‌ای که در روزنامه شرق با همین تیتَر در چند روز گذشته چاپ شد چند نکته را متذکر می‌شوم تا این روزنامه مطابق ماده ۲۳ قانون مطبوعات آن را چاپ کند.

۱- تالیفات فراوان و سخنرانی‌های بسیار و تدریس‌های اینجانب ویژگی اصلی بنده را چنین نشان داده است: دفاع از حقوق زنان و دفاع از خانواده و تقید به رعایت معیارهای اسلامی، به‌عنوان‌نمونه اولین کتابی که در جمهوری اسلامی ایران در ابراز نگرش اسلام نسبت به نفی خُشونت علیه زنان نوشته و چاپ شد توسط اینجانب بود که حاوی مجموعه آیات و روایاتی بود که به این مطلب اشاره داشت. این کتاب با نام «خوش‌رفتاری با زنان یا نفی خُشونت علیه زنان» توسط انتشارات شورای فرهنگی اجتماعی زنان در سال ۱۳۸۱ چاپ و منتشر شد.

اقدام دیگر تهیه پیش‌نویس منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران بود که به ۱۴۸ حق زنان در ابعاد حقوق فردی، خانوادگی، سلامت جسمانی و روانی، حقوق فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و قضائی تصریح کرده و دستگاه‌های مختلف را موظف به اجرای این حقوق کرده است. این پیش‌نویس در جلسات متعدد شورای فرهنگی- اجتماعی زنان تکمیل شد و در نهایت پس از تصویب در شورای زنان، شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز آن را در سال ۸۳ تصویب نمود و سپس به دلیل جامعیت این سند در ذکر حقوق

این اشکالات در فضایی دوستانه مطرح و مرتفع می‌شد همان‌گونه که طی سالیان متمادی بسیاری از سیاست‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، حقوقی زنان در جمع اعضای این شورا که مرکزی فراقوه‌ای بوده و اعضای محترم آن نمایندگان سه قوه و از دستگاه‌های کلان کشور می‌باشند، مطرح شده و با وجود تنوع سلایق سیاسی به جمع‌بندی‌های خوبی رسیده است.

۵- در مورد آنچه پیرامون بودجه شورای فرهنگی اجتماعی زنان ذکر شده باید گفت بودجه شورا یک میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان بوده که تاکنون (۱۸ دی) فقط حدود نیمی از آن به شورا پرداخت شده است که با توجه به فعالیت‌های دو مرکز فعالیت سستای دارند. در مورد افزایش بودجه داشته است. در چند سال اخیر بیش از نیمی از کارمندان شورای زنان به دلیل کمبود بودجه از کار بی‌کار شده‌اند. جالب توجه آن است که بودجه شورا در لایحه ۹۷ مبلغ یک میلیاردو ۲۱۵ میلیون تومان و بودجه معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری مبلغ ۲۱ میلیارد و هفت میلیون و ۵۰۰ هزار تومان پیش‌بینی شده است و این در حالی است که هر دو مرکز فعالیت سستای دارند. در مورد افزایش بودجه بودجه شورا هم باید منظر تصمیم نهایی مجلس باشیم هرچند از آنجا که شورای زنان مهم‌ترین مرکزی است که در مقابل نفوذ فمینیست‌های داخلی مقاومت کرده و می‌نماید و سیاست‌های متعددی برای حمایت از حقوق زنان منطبق با الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت تهیه و تصویب کرده که بازترین آن تصویب منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. تلاش جریان‌های فمینیستی برای کاهش بودجه این مرکز قابل پیش‌بینی است.

۶- در مورد هنرنکرد بودجه شورا نیز به اختصار متذکر می‌شوم آنچه شورای زنان در سال ۹۶ انجام داده اجرای بندهای مختلف ماده یک آیین‌نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده بوده که وظایف این شورا را تعیین نموده است از جمله: تدوین و پیشنهاد برخی سیاست‌های لازم به منظور ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن (بندها)، برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی در برنامه‌های پیشنهادی دستگاه‌های اجرایی بر مبنای آسان‌کردن تشکیل خانواده، تقویت هرچه بیشتر نهاد مقدس خانواده، و بررسی کارشناسی و ارائه پیشنهاد به دستگاه‌های مختلف اجرایی در زمینه‌های مزبور (بندها) بررسی کارشناسی استفاده دختران و بانوان از اوقات فراغت خود و ارائه پیشنهاد به دستگاه‌های مختلف اجرایی برای برنامه‌ریزی (بندها) بررسی شیوه‌های مناسب در زمینه آموزش‌وپرورش زنان (بندها) بررسی وضع و شرایط شغلی بانوان (بند ۷) ارزیابی مستمر وضع فرهنگی و اجتماعی بانوان و تهیه گزارش (بند ۱۰) و بخش‌هایی از سایر بندهای این ماده. در پایان یادآوری می‌کنم مصوبات شورای زنان مرسوم همکاری صمیمانه همه اعضای شورای فرهنگی-اجتماعی زنان می‌باشد که مشکل از دو نماینده ریاست محترم جمهور، دو نماینده محترم مجلس شورای اسلامی، دو نماینده محترم قوه قضائیه و نمایندگان وزیران محترم آموزش عالی، آموزش‌وپرورش، امور خارجه، ورزش و جوانان، کار و رفاه، بهداشت، ارشاد و نمایندگان محترم شورای عالی انقلاب فرهنگی، حوزه علمیه قم، صداوسیما، بسیج، سازمان فرهنگ ارتباطات اسلامی می‌باشند.

اسلامی ایران» مصوب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی یک نسخه از این لایحه را برای شورا ارسال نمایند. که متأسفانه معاونت مزبور از این همکاری دریغ ورزید. چه‌بسا اگر آن معاونت مطابق وظیفه مذکور عمل کرده بود در جمع صاحب‌نظران عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان بسیاری از

مرتکب رفتاری شود که در این لایحه از آن با عنوان خُشونت یاد شده و این رفتار حد نباشد، مکرر هم نباشد و غیرعمدی هم باشد باز باید مجازات شود. موارد فراوان دیگری از اشکالات این لایحه را می‌توان ذکر کرد که خوانندگان محترم را به مطالعه مصاحبه معاون حقوقی قوه قضائیه که توسط خبرگزاری ایلنا منتشر شد ارجاع می‌دهم. البته بنده از بخش‌هایی از این لایحه دفاع می‌کنم ولی به دلیل اشکالات فراوان آن منتقد آن می‌باشم و منتظر اصلاحات قوه قضائیه بر آن هستم. در ضمن یادآوری می‌شود اینجانب با عنوان رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده در تاریخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۱ طی نامه‌ای رسمی به ریاست و معاونت امور زنان و خانواده ریاست‌جمهوری که عضو شورا هم می‌باشند، از ایشان تقاضا کردم تا مطابق ماده‌واحد «منشور حقوق و مسئولیت‌های زنان در نظام جمهوری

اسلامی ایران» مصوب شورای‌عالی انقلاب فرهنگی یک نسخه از این لایحه را برای شورا ارسال نمایند. که متأسفانه معاونت مزبور از این همکاری دریغ ورزید. چه‌بسا اگر آن معاونت مطابق وظیفه مذکور عمل کرده بود در جمع صاحب‌نظران عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان بسیاری از

مردم بوده است و از سوی دیگر اختصاص ارقام کلان در ردیف‌های غیراقتصادی و غیرمعیشتی و بی‌بازده بودجه، باعث ابهام مردم پیرامون چشم‌انداز تحول در آینده کشور نیز شده است. بنابراین پیشنهاد می‌شود نمایندگان مجلس ضمن اعمال نظارت بر نحوه هزینه بودجه‌های اختصاص یافته، حداقل ۵۰ درصد بودجه مراکز فرهنگی، تبلیغاتی و نهادهای دیگر را کم کرده و به ردیف بودجه مراکز اشتغال‌زایی کشور اضافه کنند که مطمئناً متوسط سالی یک‌میلیون شغل پایدار برای جوانان نیازمند کشور ایجاد می‌شود

کند؛ چیزی که با پول و مذاکره قابل خرید نباشد. اما تا رسیدن به چنین مجوزی و برای آنکه گمان نکنیم هرچه بود گذشت، می‌توان میزان مسئولیت‌پذیری این شرکت را با فراخواندن آن به جبران فراتر از محکومیت قانونی سنجید. شرکت‌هایی که یا بر مجرای تنفس شهر گذاشته‌اند، حاضر هستند برای نشان‌دادن میزان پشیمانی خود خدمات عمومی‌ای به شهروندان

کند؛ چیزی که با پول قابل بازگشت و خرید نباشد. آیا با جریمه اندک چهار میلیارد تومان و غرس چند نهال برای چنین شرکتی، ماجرا پایان‌یافته خواهد بود؟ قانون و اجرای آن باید به‌گونه‌ای باشد که یا ر بر نای شرکتی بگذارد که یا ر بر نای شهر

ما گذاشته است. اگر منظور گسترش منظر بوده، باید به قانونی مجهز شویم که چنین متخلفی را

ادامه از صفحه اول

بودجه و حقوق ملت

در هیئت تجمعات مال‌باختگان مؤسسات مالی، اعتباری، بانزنشستگان معترض به عدم دریافت حقوق قانونی‌شان، اعتراضات صنفی کارگری در برخی از بزرگ‌ترین مراکز تولیدی و خدماتی ... به صدا درآمده بود. وضعیت نامطلوب معیشتی در کنار اخبار واصله از تخلفات مالی کلان همگی باعث لطمه به اعتقاد عمومی شده است.انتشار ردیف‌های بودجه سال ۹۷ که در آن از یک سو تأمین ردیف‌های درآمدی دولت با افزایش قیمت حامل‌های انرژی، افزایش مالیات مشاغل، عوارض خروج از کشور و حذف یارانه بخشی از

اینجاست که قاطعیت شهرداری و دادستانی محدود به حدود قانون شده است و بازنگری قوانین و اصلاح قواعد و احکام می‌تواند آینده‌ای روشن‌تر را نوید بدهد. کمسیون سلامت و محیط زیست در دوره چهارم؛ سندی را تهیه و ارائه کرد که بیشتر به‌دلیل آنکه از پشتیبانی لازم شهرداری وقت برخوردار نبود رای نیز نیاورد. جریمه چنین جرمی باید از بیخ و بن موضوعی

ادامه از صفحه اول

۱۶تا۲۵ساله‌ها

نسل جوانی که خواسته‌ها و آرزوهایش با پروتکل رسمی جامعه و با چارچوب خسته خانواده متفاوت است، زمین و زمان از او دریغ می‌شود و رفتار و سبک زندگی و ابهام‌هایش به سخره و تحقیر گرفته می‌شود، آینده امیدبخشی فراوری خود می‌بیند؟

کدام حزب با نهاد صدای ۱۶ تا ۲۵ساله‌ها، صدای دیپلمه‌ها، صدای مهاجران گمگشته در دوران پرفشار اقتصادی و پیامدهای سیاست‌های گذشته و کشمکش‌ها را شنیده است؟ ۱۶ تا ۲۵ساله‌ها در فضایی که واقعیت دربردارنده لایه‌های برخط (تلاین) و بیرونی بوده، زیسته و بالیده‌اند. ۱۶ تا ۲۵ساله‌ها زیر پوست قوانین حاکم، سال‌هاست جور دیگری زیسته‌اند، بی‌چشمداشت بدون سهمی از روند کند یا تند توسعه کشور، بی‌آنکه راهی به کربدورهای اتاق‌های بزرگانی یا تجارت و صنعت و معدن یافته باشند، چه بسیار بنست گیت‌ها مانده‌اند. نه به سیاست و رقابت‌های حزبی راه یافته‌اند، نه در کار و تجارت و اقتصاد فراتر از فروشنندگان خرده‌پا دیده شده‌اند. بزرگ‌ترها، بازخوانی کنید، در کدام نهاد و بخش چه سهمی برای ۱۶ تا ۲۵ساله‌ها در نظر گرفته‌اید؟ نهادهای سازمان‌های دولتی که همواره تاله از فزونی کارکنان دارند و میان حلقه مشخصی از مدیران دست به دست می‌شوند، نهادهای سازمان‌های غیردولتی و شبه‌دولتی که افراد سفارش‌شده راه به آنها دارند؛ نهادهای بخش خصوصی که تنها حدود هفت درصد اقتصاد ایران را تشکیل داده است، چقدر توان دارند؟ سهم ۱۶ تا ۲۵ساله‌ها آن هم پسرها فقط در خدمت سربازی شفاف و روشن تعریف شده که با استمداد از دانشگاه‌های خرد و درشت و جور و واجور، تلاش می‌کنند کمی به تأخیر بيفتند. این هم سهم خدمتی است. سهم حق جوان ۱۶ تا ۲۵ساله را کجا در نظر گرفته‌ایم؟ بزرگ‌ترها از فرایند رشد هماهنگ با نوجوانان‌شان جا مانده‌اند و در هویت‌یابی‌شان نقش اساسی نداشته‌اند؛ ازاین‌رو بیگانگانی شده‌اند که گفت‌وگو با هم را نمی‌دانند.

بخشی از این بزرگ‌ترها گذار و کردارشان همچون نبوده و نوجوانان این لاهمخوانی و شعارزدگی را می‌فهمند. رشد مداوم نسل‌ها بخش مهمی از مسئولیت همه ما در برابر میهن‌مان و مردم است. در هر رقابت یا برنامه‌ای باید به حق آیندگان در برخورداری از رشد امین ولو فقیر، معتمد و همراه با هم توجه داشته باشیم. امروز مهموم‌های مشترک میان بزرگ‌ترها و ۱۶ تا ۲۵ساله‌ها کدام‌اند؟ چرا معدود و محدود هستند؟ در رقابت‌های مخرب، تهمانده امید مردم هم با رفتار گروه‌ها و جناح‌ها به باد می‌رود؛ چراکه هیچ‌یک مسئولیت کاستی‌هایی را که گزارش می‌دهند، برعهده خود و دوران مدیریت‌شان نمی‌دانند؛ بلکه اغلب به‌عنوان اهرم تبلیغات علیه دیگری به کار می‌برند. در شرایطی که اصول مانع رشد فساد نشده و اصلاحات در شرایط پرچالش دیوان‌سالاری ثقیل کارساز نیست، نیاز به گفتمان نو بیش از همیشه خودنمایی می‌کند.

گفتمانی کانون‌مند بر شفافیت و بازآفرینی می‌تواند جراحی دردناک ولی شفافبخش جامعه-حاکمیت ایرانی را موفقیت‌آمیز و با کمترین هزینه امنیتی ممکن کند. گفتمانی بر پایه برابری شهروندان، حق مردم برای روزمره و سبک زندگی، سهم عادلانه از هزینه‌ها و فایده‌ها هر دو؛ گفتمانی با نقش کانونی مردم نه مدیران و برای مردم نه‌فقط برای ویژه‌خواران. در شرایط امروز با همراهی کسانی از همه گروه‌ها و حزب‌های سیاسی و کنشگران مدنی و متخصصان می‌توان گفتمان فسادستیزی و بازآفرینی را شکل داد و منش و روش مواجهه با مردم را از ابلاغ به گفت‌وگو دگرگون کرد.

اقتصاد کهنه‌فروشی

کشورها هم باید در سبدهی که پیش‌روی دنیا عرضه می‌کنند، دم‌به‌دم ارزش نوبرانه‌ای بگنجانند تا خریداران پیشین را نکه‌دارند و بخواهوان تازه‌ای برای خود دست‌وپا کنند. کشوری که چنین نکند، دیر یا زود فقر و در پی آن، زنجیره‌ای از مشکلات گریانش را خواهد گرفت.

در یک کلام: عصر کهنه‌فروشی گذشته، اما سیاست‌های اقتصادی کشور همچنان در پی ارتقای کهنه‌فروشی است (بگذریم که در همان زمینه هم توفیقی نداشته‌اند!). برای نوفروشی، به نگاه‌های اقتصادی جدید و متناسب با واقعیت‌های امروز نیاز است که واقعیت‌های جدید دنیای کسب‌وکار را به‌خوبی شناخته و لمس کرده باشند. بنابراین لازم است جمله نقل‌شده از آلبرت اینشتین را با توجه به شرایط روز این‌گونه تصحیح کنیم: «اگر همیشه همان کنی که می‌کردی، داشته‌های قبلی هم از کفت می‌رود».